

دریچه
<div></div>

تمدید مهلت ارسال آثار به جایزه جمالزاده

● به گزارش ستاد خبری جایزه جمالزاده، دبیر اجرایی این جشنواره گفت: «با توجه به تقاضاهای مکرر شرکت‌کنندگان برای افزایش زمان ارسال آثار، همچنین تقارن برگزار جشنواره با ایام کرونا و محدودیت برخی از متقاضیان برای استفاده از کافی نت و سیستم مورد نیاز برای ارسال اثر، تصمیم گرفته شد این مهلت به مدت ۱۰ روز تمدید شود».

محمد معماریان ادامه داد: «مدت‌زمان تمدید در شورای سیاست‌گذاری نهایی شده و به هیچ عنوان امکان تمدید مجدد وجود ندارد؛ بر همین اساس از متقاضیان درخواست می‌کنیم هر چه سریع‌تر مراحل ثبت‌نام و ارسال اثر را طی کرده و انجام این مهم را به دقایق پایانی موکول نکنند تا با توجه به ترافیک درخواست مراجعه به سایت با مشکل مواجه نشوند.» او اضافه کرد: «دومین دوره جایزه جمالزاده توسط سازمان فرهنگی- اجتماعی- ورزشی شهرداری اصفهان برگزار می‌شود».

فراخوان این دوره را نیمه اول دی ماه گذشته در دو بخش آزاد و اصفهان اعلام کردیم. بخش اصفهان این جایزه، شامل دو بخش داستان کوتاه اصفهان و زندگی‌نگاره‌های «ناداستان»ی اصفهان اعلام شد و بخش آزاد این مسابقه همان‌طور که مشخص است پذیرای داستان‌هایی با درونمایه و مضامین آزاد محصول کار خلاق نویسندگان. اما در روزهای پایانی سال گذشته و هم‌زمان با شیوع ویروس کرونا که تأثیری همه‌جانبه بر زندگی ما داشت، بخش ویژه «کرونا» زیرمجموعه بخش زندگی‌نگاره و ناداستان‌ها در جایزه جمالزاده تعریف شد تا علاقه‌مندان به ناداستان‌نویسی تجربیات خود را از روزهای کرونا و مواجهه با آن در هر جای جهان در این بخش ثبت کنند. معماریان ادامه داد: نویسندگان می‌توانند در بخش کرونا سه اثر و در بخش‌های دیگر هر کدام یک اثر را به دبیرخانه جایزه ارسال کنند و برای دریافت فرم ثبت‌نام جایزه جمالزاده و اطلاعات بیشتر به پایگاه اینترنتی Jamalzadehaward.ir مراجعه کنند. جوایز

بخش‌های مختلف جایزه نیز به ترتیب زیر است: بخش آزاد: نفر اول هشت میلیون تومان، نفر دوم پنج میلیون تومان و نفر سوم سه میلیون تومان.

بخش ویژه اصفهان

الف- داستان کوتاه: نفر اول ۱۰ میلیون تومان، نفر دوم هفت میلیون تومان، نفر سوم پنج میلیون تومان.

ب- ناداستان: نفر اول: شش میلیون تومان، نفر دوم چهار میلیون تومان، نفر سوم: دو میلیون تومان. **جایزه ویژه هیئت داوران:** پنج میلیون تومان. همچنین نویسندگان سه اثر برتر بخش کرونا سه جایزه ۴۰میلیون‌ریالی دریافت خواهند کرد.

برگزاری جشنواره‌های سینمایی در فرانسه ممنوع شد

● **مهر:** در سایه کرونا،امانوئل مکرون رئیس جمهوری فرانسه در مصاحبه‌ای تلویزیونی اعلام کرد: قرنطینه اجتماعی از ۱۱ ماه می ادامه می‌یابد و هیچ فستیوالی اجازه نخواهد داشت حداقل تا نیمه جولای برگزار شود.

این سخنان جشنواره فیلم کن را متزلزل‌تر از همیشه کرد زیرا سازمان‌دهندگان هرچند تاریخ مشخصی برای برگزاری آن تعیین نکرده بودند اما احتمال برپایی آن را در اواخر ژوئن و اوایل جولای اعلام کرده بودند. دیگر رویداد مهم فرانسه که در محاق می‌رود رقابت‌های دوچرخه‌سواری مشهور تور دوفرانس است که قرار بود از ۲۷ ژوئن تا ۱۹ جولای برگزار شود. سازمان‌دهندگان جشنواره فیلم کن پیش‌تر گفته بودند که این جشنواره باید از مقامات کارت سبز بگیرد که شامل وزیر بهداشت، وزیر کشور، مقامات محلی استان و شورای شهر کن خواهد بود تا بتوان هفتاد و سه‌مین دوره این رویداد را در اواخر ژوئن و اوایل جولای برگزار کرد. به‌تأخیرانداختن بیشتر جشنواره تا اواخر جولای یا اوایل آگوست با توجه به توریستی‌بودن این منطقه می‌تواند با تجمع جمعیت در فصل تعطیلات عمومی روبه‌رو شود.

در عین حال فصل جشنواره‌های آخر تابستان و پاییز با جشنواره‌هایی نظیر ونیز، تورنتو و سن‌سباستین پر است. مقامات جشنواره فیلم کن هنوز درباره اظهارات مکرون چیزی نگفته‌اند. فرانسه که از ۱۷ مارس قرنطینه عمومی را اجرا کرده یکی از کشورهای درگیر جدی با ویروس کروناست و تاکنون بیش از ۹۸ هزار نفر به آن مبتلا شده و نزدیک به ۱۵ هزار نفر جان باخته‌اند.

«روزگار بلور» ساخته شد

● مستند سینمایی روزگار بلور با محوریت محمد بلوری پدر حوادث‌نویسی ایران ساخته شد. روزگار بلور به نویسندگی و کارگردانی امیر فرض‌اللهی تولید شده است. در این مستند، معتبرترین روزنامه‌نگاران معاصر مانند ماشالله شمس‌الواعظین، انوشیروان کیهانی‌زاده، بهروز بهزادی، فریدون صدیقی، هوشنگ اعلم، علی‌اکبر قاضی‌زاده و… درباره او صحبت کرده‌اند.



یاشار نورایی

دو دهه قبل، بعد از چند سال دوری که به ایران برگشته بودم، تنهایی هوس سینمارفتن کردم و رفتم سینمایی که فیلمی از مسعود کیمیایی را نشان می‌داد. بلیت‌های قدیمی کاغذی را معمولا با خودگار پشت‌نویسی می‌کردند تا شماره ردیف و صندلی را در آن بنویسند. یاد هست که نفهمیدم کدام شماره ردیف و کدام صندلی است و از یک تماشاگر دیگر پرسیدم که راهنمایی‌ام کرد. جالب است که هر بار هوس سینمارفتن در ایران می‌کنم و بلیت می‌خرم، این خاطره به یادم می‌آید. شاید چون اولین فیلم ایرانی بود که بعد از مدت‌ها، در دوران پیشااینترنت و همه‌گیرشدن سینمای خانگی در ایران می‌دیدم و شاید حس پیداکردن ردیف و صندلی در تارکیکی سینما، من را به کودکی می‌برد که سینما رفتن آداب خاصی داشت. تعاریف نسل‌های قبل از شال‌وکلاه‌کردن و دسته‌جمعی به سینماهای لاله‌زار رفتن، امروزه برای ما همان‌قدر نوستالژیک است که دور از تجربه کنونی ما و با ازدیاد جمعیت و مشغله‌های فردی، سینمارفتن نه تفریح، بلکه ازسرگذراندن نوعی ماجراجویی شده است. کوتاهی فرصت، پراکندگی سالن‌های سینما نسبت به محل سکونت تماشاچیان، کمبود جای پارک، عدم تنوع فیلم‌ها، کیفیت پایین امکانات برخی تالارها (در یک مرکز خرید، سینمایی شبیه دمخه درست کرده‌اند که هنگام تماشای فیلم، آهنگ عروسی تالار مراسم بغل نیز به گوش می‌رسد!) و کلا کران‌بودن تماشای فیلم در سینما برای خانواده با احتساب پول حمل‌ونقل و خورد و خوراک، هرکدام می‌تواند عامل سایش اعصاب تماشاگر و سختی تحمل فیلمی باشد که بر پرده نمایش فیلم‌ها حفظ می‌شود، فردیت بیننده است که مطابق سلیقه و محیط زندگی خودش، ایران این چند دهه هنوز متکی به خانواده است، در

هنر

فردیت در چهار دیواری



اکران خانگی فیلم‌ها، البته با احتساب کیفیت خود فیلم و سطح آن، به شکلی تحکیم می‌شود که در کنار منفعت زمانی و مالی، فردیت بیننده هم حفظ می‌شود و تجربه همگانی دیدن فیلم در آرامش و محیط سالم و یکدستی شکل بگیرد. فراموش نکنیم آنچه بیننده حرفه‌ای و متوقف از از تماشای فیلم در سالن سینما گریزان کرده، نه فقط کیفیت فیلم‌ها بلکه رفتار عقب‌مانده عده‌ای از تماشاچیان است که هنوز متوجه نشده‌اند باید یک‌سری مسائل را هنگام فیلم‌دیدن در تالار نمایش مراعات کنند. مسکانات صحبت با تلفن همراه، صدای خوردن و تفتلات، نقرنوق بچه‌هایی که به فیلمی نامناسب آورده شده‌اند و حتی واکنش‌های غیرعادی (مثلا بلند خندیدن به فیلمی جدی و صحنه‌ای تلخ که انگار تماشاچی همیشه انتظار غلط دارد که هرچه بر پرده می‌بیند کمدی باشد) در سالن‌های سینمای ایران متداول است و برای همین گمان می‌کنم آنچه در اکران خانگی فیلم‌ها حفظ می‌شود، فردیت بیننده است که مطابق سلیقه و محیط زندگی خودش، دست به انتخاب، تماشا و ارتباط با فیلم می‌زند.

از این‌نظر، تماشای فیلم‌ها با اکران خانگی، بی‌شبهات به کتاب‌خواندن نیست که می‌توان در آرامش و بسا فراغ خاطر، جمله‌ها را چند بار خواند، در متن تعمق کرد و احتمالا ادامه خواندن را به فرصتی دیگر موکول کرد. برای مثال تماشای فیلم آخر ابراهیم حاتم‌کیا، من را به این صرافت انداخت که فکر کنم اگر این فیلم را در جشنواره سال قبل، با خستگی پس از دیدن دو تا فیلم بیخود و میان انبوهی دوست و همکار با سلیقه و نوع نگاه متفاوت تماشا می‌کردم، به علت وضعیت تماشای فیلم و حواشی، از آن بد می‌آمد یا نه؟ درحالی‌که شاید به دلیل تجربه نخست اکران یک فیلم ایرانی از طریق اینترنت، آرامش منزل، امکان متوقف‌کردن فیلم و پس‌وپیش‌کردن و فرصت بیشتر برای دقیق‌شدن در آن، نه‌تنها از تماشای فیلمی که عده کثیری آن را ضعیف‌ترین فیلم حاتم‌کیا نامیده‌اند، سرخورده نشدم و دو ساعت و اندی وقت را تلف نکردم (درحالی‌که از تماشای ۹۰ درصد فیلم‌های ایرانی در سینما پشیمان می‌شوم)، بلکه نکته‌هایی هم در آن کشف کردم که برابیم لذت‌بخش بود.

نگاهی به فیلم «مرده‌ها نمی‌میرند» ساخته جیم جارموش

شیوع جبران‌ناپذیر

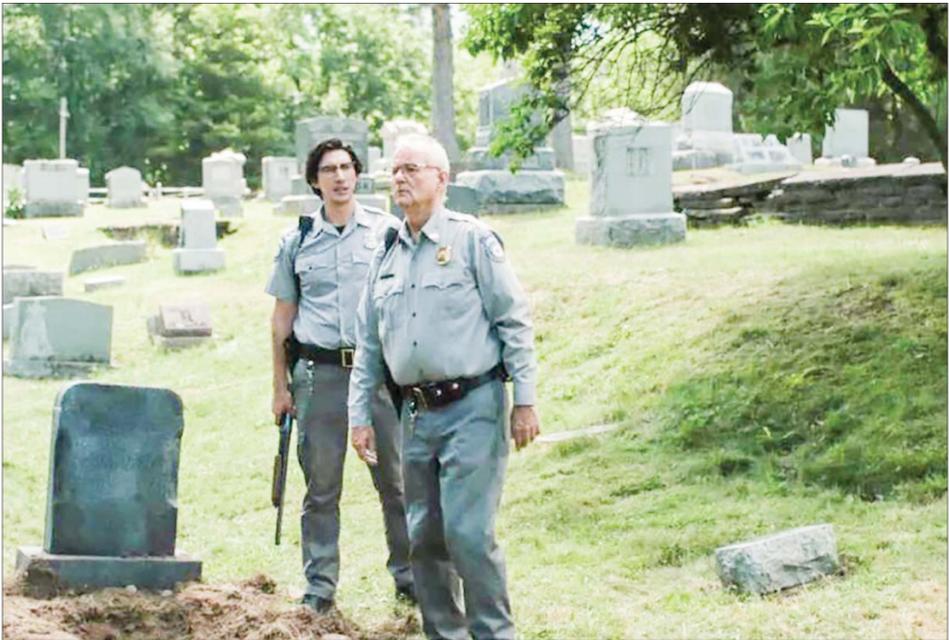
محمدعلی افتخاری

شوند. یادکست‌های آماده صوتی هم وظیفه آموزش زبان‌های خارجی یا سرپانگه‌داشتن نیروی کار با تزریق دوباره یک ترانه نشاط‌آور در ساعات خستگی را دارند. این نسخه ازپیش‌آماده حتی گاهی مثل مأمور تحویل بسته‌های روزانه در مغازه بایبی، به ذهن آشفته شهروندان نفوذ می‌کند و پیامی منقلب‌کننده و مضحک را به روح و روان مشتربان‌ش هدیه می‌دهد.

رسانه، در این وضعیت پیش‌بینی‌ناپذیر، سعی می‌کند گزارشی درست از جزئیات واقعه به گوش مخاطبان‌ش برساند و از طرفی باید دلیل قانع‌کننده‌ای برای وقوع یک اپیدمی خطرناک، یعنی زنده‌شدن مرده‌ها و حمله زامبی‌وار آنها بیان کند. جیم جارموش در استفاده از امکانات خنده‌آور این رویداد و پرداخت موقعیت‌های کمیک برای ایجاد رابطه بین تیپ‌های اجتماعی ایالت سنترویل، چندان دقتی به کار نبرده است؛ اما در ایجاد زمینه برای توجه تماشاگر به اضمحلال هویت سینمای تجاری و محصولات مستعمل این سیستم، موفق عمل می‌کند. در واقع جارموش نوید یک فروپاشی فرهنگی را می‌دهد که در نوع خود درخور توجه است.

زلدا وینستون، یکی از همراهان تیمیکال جارموش در این فروپاشی است. زلدا که مدتی است برای کفن‌ودفن مردگان به شهر سنترویل آمده، رفتار و شکل و شمایل عجیبی دارد. او هر روز مراسم خاص سامورایی‌اش را مقابل مجسمه بودا انجام می‌دهد و بعد مشغول آماده‌سازی مرده‌ها برای خاکسپاری می‌شود. شمشیر او همراه همیشگی و حافظ جسم و روحتش است. اهالی سنترویل او را تازه‌واردی عجیب و ناشاخته می‌دانند.

وقتی مردگان سسر از خاک بیرون می‌آورند و مثل زامبی‌ها به جان مردم می‌افتند، او با آرامش خاص یک سامورایی شجاع (در اسلوموشن‌هایی که هرچند خادسه‌ستانه به نظر می‌رسد، علاقه‌مندان جارموش را مستقیما به یاد شخصیت گوست داک می‌اندازد). سر از تن



از سویی دیگر، اگر جریان قاچاق و داندلود غیرقانونی فیلم با تمهیداتی محدود و نظارت شود، جهانی‌شدن فیلم‌های سینمای ایران تسریع خواهد شد. طبیعی است وقتی فاصله میان نمایش پرده‌ای یک فیلم و اکران خانگی آن برداشته شود و در کنار ایرانی‌های داخل کشور، چند میلیون ایرانی خارج از کشور نیز به فیلم دسترسی داشته باشند، وقتی من نوعی در ایران در گفت‌وگو با دوستم در خارج، درباره فیلمی مشترک که هم‌زمان دیده‌ایم گپ بزینم، بحث و گفت‌وگو و تبدیل‌شدن فیلم به سوزه گفتمان راحت‌تر خواهد شد و با افزودن زیرنویس می‌توان طیف مخاطب فیلم‌ها را وسعت داد. اما استفاده از این امکانات آدابی دارد که جدا از مسائل قانونی که برای پخش و داندلود غیرقانونی جرم تعیین کرده است، خود استفاده‌کننده هم باید مقید به اصولی باشد که جریان پخش آنلاین را برای صواب اثر و سرمایه‌گذار سخت و زیان‌آور نکند!

سال‌ها دست‌اندرکاران این سینما از شرایط اکران گله‌مند بودند. شرایط تبعیض‌آمیز اکران، سلطه گروه‌های خاص بر تبلیغ و پخش فیلم‌ها که تا مرز مافیایی‌شدن پیش رفته و برگشت اندک سرمایه از اکران، جریان پیچیده تولید و نمایش فیلم در ایران را پیچیده‌تر کرده بودند. حال فرصتی پیش آمده که سهولت دسترسی به فیلم‌ها، اگر شکل رسمی و متداول بگیرد و حمایت بیننده را با پول اندکی داشته باشد، در عین فزونی شفافیت، سود بسیار بهتری نصیب فیلم‌ساز و تهیه‌کننده خواهد کرد. اگر از این فرصت بتوانیم استفاده کنیم و خودمان با قاچاق‌دیدن محصولات، همدست انحصارگران اکران نشویم و مناسبات سالم حول آن شکل بگیرد و زیرساخت لازم مثل سرعت اینترنت بهبود یابد و از همه مهم‌تر، اکران اینترنتی عاملی برای سرکوب سلیقه و تبعید عده‌ای فیلم و فیلم‌ساز خاص نشود و نمایش فیلم در سینما را اختصاص به فیلم‌های منتاسب پرده مانند محصولات سه‌بعدی کنیم، شاید بتوان قدمی رو به جلو برداشت که در سینمای وامانده و بحرانی ما، کار کمی نیست.

زیر آسمان فیروزهای

سینمای ایران، کرونا واکران آنلاین

فرصت‌ها و تهدیدها



محمد جلیوند

● تماشای فیلم و سریال، هر زمان و هر جایی که اراده کنید؛ این شعار معروف شبکه نتفلیکس است که این روزها به یکی از مهم‌ترین شبکه‌های پخش ویدئویی آنلاین (استریم‌آنلاین)، تبدیل شده و به نظر می‌رسد که شیوع ویروس کرونا در دو ماه اخیر نیز به پربیننده‌ترشدن آن کمک فراوانی کرده است.

در پایان دهه ۹۰ و هم‌زمان با نفوذ اینترنت در کشورهای مختلف، رید هستگینز و مارک راندولف اقدام به تأسیس نتفلیکس کرده و به مرور در ۲۰ سال آن را به جایگاه امروزی‌اش رساندند. برای اینکه بیشتر به اهمیت نتفلیکس در چرخه مالی سینما و نیز سریال‌های تلویزیونی بی‌ببریم، تنها می‌توان به پهنای باند آن در ایالات متحده آمریکا اشاره کرد: ۳۷ درصد از کل پهنای باند اینترنت این کشور! در سال‌های اخیر و با بالارفتن سرعت اینترنت که فرد را قادر به تماشای فیلم‌های موردعلاقه‌اش به صورت آنلاین می‌کند، نتفلیکس با عقد قرارداد با کمپانی‌های مشهور فیلم‌های روی اکران را با فاصله‌ای بسیار کوتاه نسبت به گذشته در اختیار مخاطبان سینما در سراسر جهان قرار می‌دهد. ضمن اینکه، رایت فیلم‌های قدیمی و کلاسیک را هم خریداری کرده و آرشویی بسیار غنی را در اختیار مخاطبانش قرار داده است. در حقیقت کاری که نتفلیکس انجام داده، بازی برد-برد برای علاقه‌مندان حرفه‌ای سینماست که از یک سو، فیلم‌های روز را در فاصله زمانی کوتاه‌تری در اختیارشان قرار داده و از سوی دیگر هزینه سنگینی هم بر دوشان نمی‌گذارد.

کمپانی‌های تولیدکننده نیز زودتر به اصل سرمایه خود و سود ناشی از آن می‌رسند. نیاز به خوراک، در نهایت نتفلیکس را وادار به ورود به عرصه تولید کرده و هنگامی که به ساییت آن مراجعه می‌کنیم، با تعداد زیادی فیلم و سریال مواجه می‌شویم که تولید خود آن هستند. آثاری که وجه اشتراک اغلبشان هزینه‌های متوسط و معمولی تولیدشان بوده و در عین حال مخاطب هم توقع چندانی از آن به جز سرگرمی ندارد. اما پرگ برنده سال‌های اخیر این شبکه آنلاین ویدئویی، بدون شک سریال‌های آن است که مخاطبانی میلیونی در سراسر جهان دارد. آثاری با مضامین مختلف که هزینه‌های ساختی هم صرف تولید آن می‌شود. از مینی‌سریال‌های هشت‌قسمتی تا سریال‌هایی که در چند فصل ساخته شده و به راحتی علاقه‌مندانش را ماه‌ها سرگرم می‌کند. برای مثال می‌توان به سریال‌های «شکارچی ذهن» و «خانه پوشالی» اشاره کرد. این بازار پررونق و جذاب، غول‌هایی همچون آمازون و اپل را هم وارد بازی کرده و به تولید نیز واداشته است. به‌ویژه آمازون که با توجه به زیرساخت‌های فوق‌العاده‌اش در بستر دنیای سایبر، می‌تواند در آینده‌ای نه چندان دور به یک رقیب کاملا جدی برای نتفلیکس تبدیل شود.

حال می‌رسیم به سینمای ایران که در دو، سه سال اخیر گام‌های بلندی را در این زمینه برداشته و وی‌اودی‌های مختلف موفق به جذب مخاطبان زیادی در سراسر کشور شده‌اند. بهبود وضعیت خدمات‌دهی شرکت‌های اینترنتی از یک سو و گران‌شدن قیمت ودی‌دی‌ی‌های خام که افزایش صدرصدی بهای تمام‌شده را در پی داشت از سوی دیگر، به کسب‌وکار وی‌اودی‌هایی همچون فیلمو و نماوا رونق فوق‌العاده‌ای بخشید. مشترکان شرکت‌های فوق با پرداخت رقمی کاملا معمولی به یک آرشیو غنی از فیلم‌ها و سریال‌های قدیمی‌تر دمس تپدا کرده و در عین حال می‌توانند فیلم‌های از اکران برداشته‌شده را با فاصله زمانی اندک تماشا کنند. ضمن اینکه می‌توانند هر هفته نیز یک قسمت از سریالی را که صرفا برای شبکه نمایش خانگی تولید شده، مشاهده کنند.

سازوکار این وی‌اودی‌ها هم به گونه‌ای است که فردد قادر به داندلود اثر خارج از نرم‌افزار مخصوص آن نبوده و تهیه‌کنندگان را از کابوس تکثیر انبوه غیرمجاز نجات داده است. هرچند انتشار نسخه فیزیکی فیلم‌ها همچنان راه را برای قاچاق فیلم باز گذاشته است. نزدیک به دو ماه پیش، سالن‌های سینمای ایران به واسطه شیوع ویروس کرونا به حالت تعطیل درآمده و آن‌طور که پیداست این تعطیلی نیز ادامه‌دار خواهد بود؛ اتفاقی مهیب برای صنعت نحیف سینمای ایران که به خودی خود با ترافیک اکران روبه‌روست. یکی از پیشنهادهای جدی برای کاستن از آسیب اقتصادی تهیه‌کنندگان، اکران اینترنتی آن در بستر وی‌اودی‌هاست. کاری که از یکشنبه‌شب و با فیلم «خروج» ساخته ابراهیم حاتم‌کیا رقم خورده و باید منتظر حاصل آن در روزهای بعد ماند. اتفاقی که می‌تواند به نقطه‌عطف در یک بازه زمانی به شدت بحرانی تبدیل شده و سینمای ایران را وارد مسیر تازه‌ای برای آینده‌ای نه چندان دور حتی پس از غلبه بر کرونا کند.